

## نقدی بر کتاب «مختارات من روائع الأدب العربی فی العصر العباسی الأول»

محسن سیفی\*

مهوش حسن‌پور\*\*

### چکیده

کتاب «مختارات من روائع الأدب العربی فی العصر العباسی الأول» یکی از آثار است که نگارنده‌ی آن نمونه‌هایی از نثر و شعر دوران عباسی اول را گلچین کرده و به ترجمه و تحلیل آن پرداخته است. مطالعه‌ی کتاب نشان می‌دهد که این اثر ضمن داشتن امتیازاتی، عاری از کاستی‌ها و نقص‌ها نیست. این جستار قصد دارد با رعایت اصول نقد و با استفاده از شیوه‌ی توصیفی - تحلیلی میزان پایبندی نویسنده‌ی این کتاب را به رعایت معیارها و قوانین نگارشی به‌بوت‌ی نقد بکشانند. از بررسی دقیق کتاب چنین استنباط می‌شود که این اثر دارای برخی کاستی‌های محتوایی و شکلی است که از اساسی‌ترین آن‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره داشت: پرداختن به موضوعات غیر ضروری مانند زندگی‌نامه‌ی شاعران و غافل شدن از برخی مباحث ضروری مانند اغراض شعری عصر عباسی. خطاهای تایپی زیادی در کتاب مشاهده می‌شود که می‌تواند اطلاعات اشتباهی به مخاطب مبتدی بدهد و حتی باعث بدفهمی مطلب شود.

**کلیدواژه‌ها:** متون نظم و نثر عربی، مختارات من روائع الأدب العربی فی العصر العباسی الأول، نقد کتاب.

### ۱. مقدمه

نقد کتاب‌های آموزشی نقش مهمی می‌تواند در اصلاح کاستی‌ها و افزایش سطح فکری آفرینندگان آن داشته باشد. از اینرو برای دستیابی به کارایی بیشتر و بهره‌وری افزون‌تر

\*استادیار زبان و ادبیات عربی دانشگاه کاشان (نویسنده مسئول). Motaseifi2002@yahoo.com

\*\*دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی دانشگاه کاشان. Hasanpoormahvash.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱/۱۹، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۳/۲

مخاطبان شایسته است این آثار با بکارگیری شیوه‌های درست و رعایت اصول نقد مورد بررسی قرار گیرند، اما قبل از هر کاری باید با مفهوم نقد آشنا شد.

«کلمه‌ی نقد خود در لغت به معنی «بهبین چیزی برگزیدن» و نظر کردن است در دراهم تا در آن به قول اهل لغت سره از ناسره بازشناسد» (زرین‌کوب، ۱۳۶۱: ۱)؛ به دیگر بیان، نقد کردن یک اثر یا سخن به معنی نمایاندن عیب‌های پنهان آن اثر است. در مفهوم نقد و انتقاد معانی‌ای چون طلب، بی‌طرفی، بررسی، و بدست گرفتن و از هم جدا کردن نهفته‌ها و بیرون کشیدن آن‌ها است. (صاد، ۱۳۹۲: ۱۳)

مطالعه‌ی یک اثر به هدف نقد آن باید با دو نگرش صورت گیرد: نگرش کلی و مجموعی تأثیرگذاری طی آن پیام مولف و غرض اصلی وی را به دست آید و مشخص شود که نویسنده در پی تأمین چه نوع کمبودی است و به موضوع بحث از چه زاویه‌ای نگریسته است. نگاه دوم، نگاهی جزئی و موردی است. در این نگرش ناقد به اسکلت و ساختمان کلی تالیف نظر نمی‌کند بلکه به مانند یک کالبد شکاف کتاب را مورد به مورد تجزیه تحلیل می‌کند. در این مطالعه حتی صفحه‌ها و پاراگراف‌ها می‌توانند به استقلال مورد توجه قرار گیرند. (سلطانی، ۱۳۶۹: ۱۶)

پژوهش نشان می‌دهد که نقد صحیح از وارد شدن آسیب به رشد علمی و فرهنگی جامعه جلوگیری کرده و مانع هرج و مرج و آشفتگی فکری و علمی جامعه، بویژه جامعه‌ی دانشگاهی، و طبقه‌ی فرهیخته می‌شود. نقد منصفانه آن است که در کنار نقص‌ها، نقاط ضعف و قوت اثر نیز بررسی شود و کتاب با تکیه بر مبانی عقلی و استدلالی از دو جنبه‌ی صورت و محتوا مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد. (سیاوشی، ۱۳۹۱: ۵۸)

به هر روی، با توجه به اینکه کتاب‌های درسی اصلی‌ترین منبع در زمینه‌ی ارتباط علمی است نگارندگان قصد دارند در این پژوهش به نقد و بررسی کتاب «مختارات من روائع الأدب العربی فی العصر العباسی الأول» بپردازند. با توجه به دشواری شعر و نثر عصر عباسی برای مخاطبان، که بیشتر دانشجویان مبتدی مرحله لیسانس هستند، نقد کتاب‌هایی که در این زمینه نگاشته شده می‌تواند مثمر ثمر واقع شده و تا حدی از مشکلات و دشواریها بکاهد. لذا در این جستار سعی شده است تا نقاط قوت اثر مذکور بارز شود و کاستی‌های آن برطرف گردد. مقاله‌ی حاضر در تلاش است به این مهم بپردازد و به پرسش‌های زیر پاسخ دهد:

- مؤلف در اثر مورد نقد تا چه حد به قواعد و اصول ویرایشی و نگارشی پایبند بوده است؟
- اصول تألیف کتاب چه میزان رعایت شده است؟
- نقاط ضعف و کاستی‌های اثر کدامند؟
- کتاب مورد نظر از چه امتیازاتی برخوردار است؟

## ۲. معرفی کلی اثر

### ۱-۲. مؤلف

سید علی میرلوحی فلاورجانی، مؤلف، مترجم و ناقد، سال ۱۳۲۰ در شهرستان فلاورجان از توابع استان اصفهان متولد شد. وی دوران ابتدایی را در سال ۱۳۳۲ در زادگاه خود به پایان رساند و تحصیلات حوزوی را از سال ۱۳۳۲ تا ۱۳۴۰ در اصفهان و قم پشت سر نهاد. تحصیلات دانشگاهی ایشان نیز در رشته‌ی زبان و ادبیات عربی در دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران از سال ۱۳۴۰ شروع شد و تا سال ۱۳۵۳ ادامه یافت. از آن پس در دانشگاه‌های متعدد، از جمله دانشگاه اصفهان، به تدریس مشغول بوده و سمت‌های گوناگونی را نیز بر عهده داشته است. آثار و خدمات ارزنده‌ای از وی به دنیای علم و ادب عرضه شده است که از این میان می‌توان به کتاب‌های زیر اشاره داشت:

- «مختارات من روائع الادب العربي في العصر الإسلامي»، سازمان کتاب‌های درسی دانشگاه تهران، ۱۳۸۱.

- ترجمه و تحقیق کتاب «الجمان فی تشبیهات القرآن» بنیاد پژوهش‌های اسلامی مشهد، ۱۳۷۳.

- تصحیح و تحقیق «الذریعة إلى مکارم الشریعة»، دانشگاه اصفهان، ۱۳۷۵.

- ترجمه و تحقیق «بدیع القرآن این ابي الأصبیح المصری» انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۶۸ و ...

### ۲-۲. کتاب‌شناسی

کتاب «مختارات من روائع الأدب العربي في العصر العباسي الأول» نوشته‌ی سید علی میرلوحی است. این کتاب در یک جلد و ۳۰۳ صفحه نگاشته شد و برای اولین بار در زمستان ۱۳۹۲ توسط انتشارات "سمت" به چاپ رسید.

### ۱-۲-۲. موضوع کتاب

موضوع کتاب، گردآوری، ترجمه و تحلیل متون نثر و نظم دوران عباسی اول است. نویسنده در آغاز سعی داشته با پرداختن به نثر و شعر و مراحل‌ی که این نوع از ادبیات گذرانیده‌است مخاطب را با تحولات و دگرگونی‌های آن در عصر عباسی آشنا کند. وی نمونه‌هایی از نامه‌ها، مناظرات، خطبه‌ها و سروده‌های این دوره را به عنوان نمونه آورده و به ترجمه و تحلیل آن همّت گماشته است.

## ۲-۲-۲. نگاهی به جنبه محتوایی کتاب

مطالب کتاب به ترتیب عبارت است از: عنوان، شناسنامه، سخن ناشر، فهرست کتاب، مقدمه، متن اصلی، نتیجه‌گیری و مصادر و مراجع. مؤلف ضمن پرداختن به برخی ویژگی‌های کلی عصر عباسی و تعریف برخی اصطلاحات نمونه‌هایی را از نظم و نثر این عصر آورده و به تحلیل و ترجمه‌ی آن پرداخته است.

## ۳. تحلیل کتاب تاریخ آداب اللغة العربیة فی العصر الحدیث

### ۱-۳. تحلیل ساختاری

نویسنده باید در تألیف کتاب، افزون بر دقت در محتوا و مطالب، به انسجام و یک‌پارچگی اثر و نظم ساختاری آن توجه داشته باشد و مطالب را به صورت نظام‌مند و با پیروی از چهارچوب و فصل‌بندی منطقی و درستی ارائه دهد. نوشته باید از مقدمه‌ای کارآمد، پیشگفتار، فهرست مطالب، فصل‌بندی منظم و منسجم و نتیجه‌گیری برخوردار باشد.

### ۱-۱-۳. نظم و انسجام منطقی کتاب

در سرتاسر کتاب و میان فصل‌ها نظم منطقی مشاهده می‌شود. عنوان‌های کلی این اثر از نظم خوبی پیروی می‌کند برای مثال نویسنده در بخش نثر ابتدا از چگونگی نثر در عصر عباسی اول و مراحل تطور آن سخن می‌گوید و در بخش شعر هم بر همین منوال می‌رود و به شعر و تطور آن می‌پردازد. اما یک بی‌نظمی‌ای که در کتاب به چشم می‌خورد این است که نگارنده در بخش نثر از فنون نثر مثل رسائل، خطب و مناظره سخن به میان می‌آورد ولی در بخش شعر هیچ مطلبی تحت عنوان فنون شعر یا اغراض شعر در این دوره نیامده است که این امر می‌تواند باعث ایجاد قدری بی‌نظمی و آشفتگی شود.

### ۲-۱-۳. مقدمه

«مقدمه شامل شرحی اجمالی درباره مسئله بررسی‌شده، حدود و ارزش و کاستی‌های پژوهش‌هایی که پیش‌تر در این زمینه صورت گرفته است و نیز روش‌ها و ملاک‌ها و مفهوم‌های تازه‌ای که در پژوهش به کار رفته، است. و طول مقدمه کمابیش با طول متوسط فصل‌ها برابر است.» (حیدری، ۱۳۸۰: ۸۰)

### ۳-۱-۳. پیشگفتار

موضوع پیشگفتار مسائل رخ داده در باب شکل‌گیری کتاب است و در واقع با مطالب کتاب ارتباط مستقیم ندارد و بر محور مسائل جنبی اثر می‌گردد؛ مانند: شرایط تهیه اثر، تجدید چاپ، تشکر از دست‌اندرکاران و ... .

### ۳-۱-۴. نتیجه‌گیری

از بخش‌های مهم پژوهش‌های علمی «نتیجه‌گیری» است. پژوهشگر در قسمت «نتیجه‌گیری» مهم‌ترین دستاوردهای به دست آمده از پژوهش را می‌آورد و نتیجه‌گزینه‌های مطرح شده در سؤال‌ها و فرضیه‌های تحقیق را ذکر می‌کند؛ همچنین ممکن است با اتکاء بر آنچه در روند تحقیق به آن دست یافته، اقدام به رد برخی از آراء و مسائل موجود کند یا مخاطب را درباره صحت و سقم آن‌ها به تردید اندازد یا این‌که خود نظریه بومی یا تقسیم‌بندی‌های جدیدی ارائه دهد.

## ۴. امتیازات شکلی اثر

به طور کلی شکل ظاهری اثر از برخی زوایا مناسب است؛ مثلاً عنوان‌بندی مطالب را با قلم بزرگ‌تر آوردن باعث جلب نظر مخاطب می‌شود. عنوان‌های کلی اثر از نظم خوبی پیروی می‌کند برای مثال نویسنده در بخش نثر ابتدا از چگونگی نثر در عصر عباسی اول سپس از مراحل تطور آن سخن می‌گوید و در بخش شعر هم بر همین منوال می‌رود و به شعر و تطور آن می‌پردازد. عنوان‌های اصلی از فرعی در بخش فهرست مطالب با قلم‌های متفاوتی نوشته شده است که این امر سبب می‌گردد تا وی مطالب اصلی و فرعی را با دسته‌بندی منظمی به ذهن بسپارد سپس وارد بدنه‌ی اصلی کتاب شود.

### ۴-۱-۱. کاستی‌های شکلی اثر

#### ۴-۱-۱-۱. عدم هماهنگی بین متن‌ها

در آوردن نمونه‌ها باید سعی شود اندازه‌ی متن‌های آورده شده یکسان باشد تا انسجام ظاهری و شکلی اثر حفظ شود. در کتاب مورد نقد، متن‌ها از جهت کوتاهی و بلندی با هم هماهنگ نیستند. این حالت در شکل بیرونی کتاب تأثیر گذاشته و به نوعی ناهماهنگی ساختاری انجامیده است. برای نمونه برخی رسائل مانند نامه‌ی صفحه‌ی ۲۹ طولانی و

برخی دیگر مانند نامه‌ی صفحه‌ی ۳۴ بسیار کوتاه و مختصر است. و صفحه‌ی ۱۷۲ زیر عنوان "شعر السید الحمیری فی غیر أهل البيت (ع)" تنها دو بیت آورده شده است. از دیگر کاستی‌های مربوط به این بخش، این است که تعداد خطبه‌ها و رسائل آورده شده از افراد مختلف یکسان نیست. برای نمونه از برخی افراد مانند "العتابی" دو نامه می‌آورد و از برخی دیگر مانند امام صادق (ع) به آوردن یک نامه اکتفا می‌کند. شایسته‌تر بود به آوردن یک خطبه از هر فرد بسنده می‌کرد.

#### ۴-۱-۲. فقدان هماهنگی عنوان‌ها

یکی از اموری که در عنوان‌بندی کتاب یا مقاله مهم است یکسان بودن و هماهنگی عنوان‌ها است. با رعایت شدن این امر ذهن مخاطب به یک نظم خاص عادت می‌کند و به خاطر سپردن سیر مطالب برای او آسان‌تر می‌شود؛ زیرا نخستین امری که با گشودن کتاب توجه مخاطب را جلب می‌کند، تیترها و عنوان‌های اصلی و فرعی است. نویسنده در قسمت فهرست، صفحه‌ی پنج می‌نویسد: «موجز عن الرسائل لغة و إصطلاحا» اما در قسمت خطبه‌ها می‌نویسد: «موجز عن الخطابة لغة و إصطلاحا» در اینجا بهتر بود واژه‌ی «الرسائل» نیز مانند «الخطابة» به شکل مفرد بکار رود.

- در صفحه‌ی ۸۹ نویسنده عنوان را اینگونه می‌آورد: «دراسة و تحلیل لنص کلام الإمام موسی الکاظم (ع)» در حالی که در عنوان‌های دیگر مانند صفحه‌ی ۷۴ و ۸۵ و . . . عنوان مختصر «دراسة و تحلیل للنص / للخطبة» را می‌آورد. بهتر است نگارنده تمام عنوان‌ها را بصورت کوتاه بیاورد.
- عناوین اصلی و فرعی در برخی موارد به درستی رعایت نشده است و بهتر است شماره گذاری شوند. برای نمونه هنگامی که از نثر سخن می‌گوید شایسته‌تر بود ابتدا عنوان کلی نثر را می‌آورد و می‌نوشت: (الف - النثر) و سپس می‌نوشت: ۱- الف) النثر لغة. ضمن این که وی به جای عنوان «النثر فی مصطلح الأدباء» باید می‌نوشت «النثر اصطلاحا» تا با عناوین دیگر مانند «الخطبة إصطلاحا» هماهنگ شود.
- عنوان‌ها از جهت کوتاهی و بلندی نیز هماهنگ نیستند؛ گاهی کوتاه هستند و گاهی بسیار طولانی. برای نمونه صفحه‌ی ۱۱ نویسنده می‌توانست به جای عنوان طولانی «موجز عن مراحل تطور النثر منذ نشأته حتی إبان العصر العباسی»

عنوان اصلی «مراحل تطور النثر» را بیاورد سپس چند عنوان فرعی را مانند: النثر فی العصر الجاهلی، النثر فی العصر الإسلامی و . . . می آورد.

- نویسنده هنگامی که نتیجه گیری می کند گاهی این عنوان را با عبارت «خاتمة الفصل و نتیجتہ» می آورد و عدد فصل را ذکر نمی کند، گاهی نیز عدد فصل را ذکر می کند: «خاتمة الفصل الثانی و نتیجتہ». بهتر است در همه ی موارد شماره ی فصل ذکر شود تا عنوان ها از هماهنگی بیش تری برخوردار باشند. به هر روی، از جایکه عنوان بندی ها نقش بسزایی در شکل خارجی متن دارد شایسته است کتاب از این نظر مورد بررسی قرار گیرد.

#### ۴-۱-۳. رعایت نکردن قواعد عمومی ویرایش و نگارش

اشتباهات چاپی و عدم پایبندی به رعایت قواعد نگارشی باعث دلزدگی مخاطب از متن و حتی گاهی سبب بد فهمی متن مورد نظر می شود. غلط های چاپی و تایپی فراوانی در کتاب موجود است، که ناگزیر کتاب باید از ابتداء تا انتهاء بازخوانی شود و این اشتباهات برطرف شود؛ زیرا با توجه به اینکه مخاطبان کتاب بیش تر دانشجویان مبتدی هستند ممکن است به اشتباه املای واژگان را به ذهن بسپارند و در نتیجه به درک اشتباهی از متن برسند. از این میان می توان به موارد زیر اشاره داشت:

۱. رسم الخط عربی «ی» و «الف مقصوره (ی)» در بیش تر جاهای کتاب رعایت نشده است و به جای هم به کار رفته اند. لذا کتاب باید از این زاویه بطور کلی بازنگری و اصلاح شود. به عنوان نمونه: ص ۵ اِلی / ص ۱۲ تعالی به جای تعالی / ص ۹ سَمی به جای سمی / ص ۱۳ صبح الأعی به جای الأعی / ص ۲۵ صلیبه جای صلی / ص ۵۷ والی به جای والی، و اِلی و علیّ به جای اِلیّ و علیّ / ص ۵۷ حیّ به جای حیّ. / ص ۱۱۰ لدی به جای لدی / ص ۲۶۸ الصحاری به جای الصحاری / این رسم الخط در دیگر حروف نیز رعایت نشده است. برای نمونه حرف «کاف»: ص ۳ فهناک / ص ۱۱ کذلک / ص ۱۲ یسلک و مسلک / ص ۱۳۹ شک و ذلک.

۲. نویسنده در نوشتن حرف «همزه» و کرسی آن نیز دقت کافی نداشته است. به عنوان نمونه: ص ۵ اقترحْ به جای اقترح / اعانه به جای أعانه / ص ۳۴ اجراء به جای إجراؤه / ص ۴۰ إرتهن به جای ارتهن / ص ۴۱

۳. رعایت فاصله ها و نیم فاصله ها در هنگام نوشتن متن سهم بسزایی در فهم درست آن دارد از اینرو لازم و ضروری است که واژگان این کتاب با دقت هر چه تمام تر از این لحاظ

بررسی شوند؛ زیرا در موارد بسیاری هم در قسمت نثر و هم در قسمت شعر این امر رعایت نشده است. از این میان می‌توان به موارد زیر اشاره داشت: ص ۱۵ بیدالترجمین (بدون فاصله) / ص ۱۸ و ۱۹ اوان به جای او این شئت / ص ۱۹ هواسلوب به جای هو أسلوب / ص ۲۰ فاصله هدینا هما به جای هدیناهما / ص ۲۱ کمایلی بدون فاصله به جای کمایلی / ص ۹۶ کانوایحسون بدون فاصله و . . .

۴. یکی دیگر از خطاهایی که در این کتاب پربسامد است اشتباه در نوشتن «واو» عطف است؛ سبک نگارش کتاب‌های عربی بگونه‌ای است که همیشه «واو» عطف متصل به کلمه - ی بعد و با فاصله از کلمه‌ی قبل نوشته می‌شود این اسلوب در برخی موارد رعایت نشده است و تمام اثر باید با دقت از این زاویه مورد بررسی قرار بگیرد. از نمونه‌های این خطا می‌توان به مورد زیر اشاره داشت: صفحه‌ی ۱۳ خط یازدهم واو عطف بین کلمات ( و قوتّه و وضوحه و جلائه و سلاسته) بصورت جداگانه نوشته شده است. با توجه به اینکه آشنا شدن مخاطب با رسم الخط عربی مهم است این امر باید در نوشتار رعایت شود و «واو» بصورت جدا از ماقبل و متصل به مابعد نوشته شود. از دیگر موارد این نوع از خطا باید به صفحه‌ی ۱۲، ۷۰، ۹۷، ۱۱۶، ۱۲۷، ۱۷۳، ۱۸۴، و . . . اشاره داشت.

۵. برخی دیگر از اشتباهات تایپی کتاب مربوط به نوشتن و تایپ بعضی واژگان است که باعث می‌شود دانشجوی تازه‌کار برخی اطلاعات را بصورت نادرست به ذهن بسپارد. از این نمونه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: ص ۱۶ الذی به جای اللذین، / ص ۱۹ حکیم به جای حکم / ص ۲۶ تتماز به جای تمتاز / ص ۲۹ مؤاخذ به جای مآخذ / ص ۳۱ فضل به جای فضّل / ص ۳۲ میزان به جای میزات.

۶. کتاب از نظر رعایت نشانه‌های سجاوندی تا حدودی مورد قبول واقع می‌شود، اما ضعف‌هایی نیز در آن به چشم می‌خورد؛ اگر شرح مفردات را از آغاز کتاب دنبال کنیم چنین خواهیم یافت که نویسنده گاهی مفردات را بدون آوردن گیومه می‌آورد. مانند صفحه‌های ۲۵، ۵۲، ۴۰ و . . . و گاهی نیز واژگان را بدون آوردن گیومه ذکر می‌کند. مانند صفحه - های ۱۱۱، ۸۸، ۷۶، ۹۳، ۱۲۸ و . . . بهتر است در تمام کتاب یک شیوه مد نظر گرفته شود تا بین همه‌ی قسمت‌ها هماهنگی و نظم رعایت شود. در برخی صفحه‌ها نشانه‌های نگارشی و سجاوندی بدرستی رعایت نشده است. برای نمونه صفحه‌های ۱۴۹ و ۱۵۳ بیش از «زیرا» باید نقطه ویرگول قرار داده می‌شد؛ چرا که هنگام بیان سبب و دلیل یک امر باید از «زیرا» استفاده کرد و قبل از «زیرا» نقطه ویرگول می‌آید. در صفحه‌ی ۲۲۵ پایان بیت نقطه قرار داده شده است این حالت در شعر معمول نیست.



#### ۴-۱-۴. استناد و ارجاع دهی

با توجه به این امر که استناد رکن اساسی نگارش علمی را تشکیل می‌دهد اگر نویسنده نسبت به آن بی‌توجهی نشانند دهد تمام اثر خود را زیر سؤال برده است؛ چرا که با برگرفتن مطالب از دیگران و عدم ارجاع درست آن، مخاطب چنین احساس می‌کند که تمام گفته‌ها از آن خود نویسنده است حال آنکه چنین نیست و این کار از یک طرف به معنای فریب مخاطب است و از طرف دیگر به معنای سرقت و عدم رعایت اصل ارجاع دهی درست، اما در مورد این اثر باید گفت: نویسنده اصل ارجاع دهی را رعایت کرده است ولی گاهی دچار اشتباهاتی شده است که می‌توان به موارد زیر اشاره داشت:

صفحه‌ی مقدمه منقولات مستقیم از غیر مستقیم شناخته نمی‌شود؛ زیرا همه‌ی منقولات بدون آوردن گیومه ذکر شده است؛ نویسنده باید نقل قول‌های مستقیم را درون گیومه قرار می‌داد یا حداقل آن‌ها را با قلم و اندازه‌ای متفاوت از نقل قول‌های غیر مستقیم می‌آورد. در صفحه‌ی ۱ نقل قول با تصرف از شوقی ضیف تنها دو سطر است در حالیکه نویسنده پاراگراف را بطور کامل به وی ارجاع داده است. در صفحه‌ی ۱۰ یک سطر تعریف را به صفحات ۱۰ تا ۲۳ کتاب النقد الأدبی ارجاع داده است و بهتر بود می‌نوشت: «راجع».

گاهی نویسنده از منابعی که دست اول نیستند استفاده می‌کند. برای نمونه در صفحه‌ی ۱۲ ارجاع دادن به مرجع دومی، مانند «الأدب العربی» از «آذرشب» و «مختارات من روائع الأدب» از «فاضلی» کار جالبی نیست. از دیگر نمونه‌های عدم ارجاع دهی درست می‌توان به موارد زیر اشاره داشت: در صفحه‌ی ۸۲ نقل قول مستقیم داخل گیومه بدون ذکر منبع آمده است. صفحه‌ی ۱۵۴ و ۱۵۵ نقل قول طولانی از شوقی ضیف آورده است ولی در پاورقی گفته است با اختصار. در صفحه‌ی ۱۸۱ نویسنده توضیح مربوط به «فخ» را بدون مرجع نوشته است ولی نیاز به منبع دارد چون مطلب در مورد اسم علم است و اطلاع شفاهی نویسنده کافی نیست. در صفحه‌ی ۲۰۵ به صورت نامتعارف منبع را -که المجانی الحدیثه است- به جای پاورقی در متن آورده است و یکسان بودن شیوه‌ی ارجاع دهی که از ابتدا تا اینجا رعایت شده است در اینجا بهم ریخته می‌شود. در صفحه‌ی ۲۱۶ مرجع «الأغانی» بدون ذکر صفحه است. صفحه‌ی ۲۱۶ شماره ارجاع بین پاراگراف است در حالیکه باید در انتهای پاراگراف گرفته شده می‌آمد. از ۲۳۸ تا ۲۴۰ کلّ تحلیل در این سه صفحه منقول است بهتر بود نویسنده برخی تحلیل‌ها را از داشته‌های خود ذکر می‌کرد. صفحه‌ی ۲۶۲ سخن شوقی ضیف را با دو اشتباه وارد کرده است: «مع سهولة الألفاظ [مع] شفافیته»، که واژه‌ی «مع» را تکرار کرده است و به جای «جمیل»، «جمل» آورده است. و

صفحه مرجع را به اشتباه ۲۶۹ ذکر کرده است که درست ۲۷۰ است. صفحه‌ی ۲۶۶ شعر صنوبری را از المجانی الحدیثه نقل کرده ولی در آوردن کلمه‌های شعری با اصل تفاوت دارد.

در قسمت منابع و مصادر فارسی نویسنده در برخی موارد اسلوب فارسی را در ارجاع دهی بکار برده است و این عیب بشمار می‌آید؛ زیرا با توجه به اینکه زبان کتاب عربی است ارجاعات در مواردی مانند صفحه‌ی ۳۰۲- بجز در مورد اسامی خاص - باید کاملاً به زبان عربی باشد. به عنوان نمونه بجای واژه‌ی (بی‌تا) بهتر است (د.ت) نوشته شود و ترکیب (زیر نظر ...) باید به عربی برگردانده شود.

#### ۴-۱-۵. جامعیت صوری اثر

در بررسی جامعیت صوری اثر پژوهشی، نکات زیر مدنظر قرار می‌گیرد:

فهرست		نتیجه و جمع‌بندی		خلاصه		تمرین و آزمون
منابع	موضوعی	اعلام	فصول	کلی	فصول	
دارد	ندارد	ندارد	دارد	دارد	دارد	دارد

چنانچه از جدول برمی‌آید این کتاب از برخی مؤلفه‌های جامعیت صوری مانند بحث مقدماتی، تمرین‌ها و نتیجه‌گیری در پایان هر فصل برخوردار است. این امر از نکات مثبت کتاب بشمار می‌آید. تمرین‌ها متنوع است؛ بگونه‌ای که نویسنده هم سؤالاتی از محتوای نمونه‌های آورده شده مطرح می‌کند و هم پرسش‌هایی در مورد نکات نحوی، اعرابی و بلاغی موجود در نمونه‌ها. این شیوه باعث می‌شود مخاطب علاوه بر دریافت معنای ظاهری تا حدی که متناسب سطح اوست با لایه‌های درونی متن‌ها نیز آشنا شود. آوردن برخی تمرین‌ها، مانند جاهایی که نویسنده از مخاطب می‌خواهد برخی تعابیر را در جمله بکار گیرد یا در مورد برخی موضوعات چند سطری بنویسد، بیشتر مربوط به درس‌هایی مانند نگارش و انشا است و بهتر است اینگونه تمرین‌ها حذف شود. به هر روی نویسنده می‌توانست با استفاده از دیگر ابزارهای علمی مانند طرح بحث، فهرست موضوعی و اعلام ... بر پرباری هرچه بیشتر اثر خود بیفزاید.

## ۵. تحلیل ابعاد محتوایی اثر

در بررسی محتوای کتاب از امتیازهای اثر مانند سازواری با مبانی و پیش‌فرض‌های اسلامی، سازواری با مبانی و پیش‌فرض‌های مفروض‌های اثر و کاستی‌های کتاب مانند عدم رعایت انسجام درونی اثر، ناقص بودن مطالب، دادن اطلاعات اشتباه سخن به میان می‌آید.

### ۵-۱. امتیازات محتوایی اثر

#### ۵-۱-۱. سازواری با مبانی و پیش‌فرض‌های اسلامی

رویکرد اثر مورد نقد نسبت به فرهنگ و ارزشهای جامعه‌ی اسلامی رویکردی مناسب است و امری که بتوان آن را ضد ارزشهای اسلامی شمرد در آن مشاهده نشد، بلکه بر عکس نویسنده به متون مربوط به ائمه نیز اهتمام داشته است و نمونه‌هایی را از ایشان آورده که این امر دال بر ارزش اسلام و فرهنگ اسلامی نزد نویسنده است؛ به دیگر بیان، مبانی و اصول دینی در این اثر به خوبی رعایت شده است و این امر حتی در اسلوب نویسنده نیز نمایان شده است؛ نویسنده وقتی از قرآن سخن می‌گوید صفت «الکریم» را فراموش نمی‌کند و برای دعوت رسول خدا (ص) نیز صفت «الکریم» را می‌آورد. برای نمونه می‌توان به صفحه‌ی ۱۲ عبارت « فلما نزل القرآن الکریم و جاءت الدعوة النبویة الکریمه » اشاره کرد؛ به عبارت دیگر، شخصیت روحانی نویسنده در سبک و اسلوب وی مؤثر واقع شده است. همین امر سبب گشته است تا وی کتاب خود را با آوردن نمونه‌هایی از خطبه‌ها و رسائل ائمه همراه کند اموری از این دست بخوبی نشانگر سازگاری کتاب با دین و اصول دینی است.

#### ۵-۱-۲. سازواری با مبانی و پیش‌فرض‌های مفروض اثر

محتوای علمی - پژوهشی اثر با پیش‌فرض‌های تعیین شده از سوی سازمان مطابقت دارد و تمام مبانی مربوطه رعایت شده است. کتاب متناسب با سطح ذهنی مخاطبان که بیشتر دانشجویان کارشناسی هستند نوشته شده است. برای مثال آوردن نمونه‌های مختلف، ارائه‌ی شرح واژگان و آوردن تمرین‌های گوناگون می‌تواند از نکات خوب و مثبت این اثر بشمار رود.

## ۵-۲. کاستی‌های محتوایی اثر

### ۵-۲-۱. عدم انسجام درونی اثر

در سرتاسر کتاب و میان فصل‌ها نظم منطقی بصورت نسبی مشاهده می‌شود. نگارنده در برخی موارد نظم و انسجام بین مطالب را رعایت نکرده است؛ بی‌نظمی‌ای که در کتاب به چشم می‌خورد این است که نگارنده در بخش نثر از فنون نثر مثل رسائل، خطب و مناظره سخن به میان می‌آورد ولی در بخش شعر هیچ مطلبی تحت عنوان فنون شعر یا اغراض شعر در این دوره نیامده است. شایسته است فصلی با این عنوان به کتاب اضافه شود. نویسنده در صفحه‌ی ۱۱ از انواع نثر سخن به میان می‌آورد بدون این که عنوان آن را ذکر کند؛ به دیگر بیان، وی وقتی تعریف ادب و نثر را در لغت و در اصطلاح تحت عنوان جداگانه می‌آورد مخاطب منتظر است تا انواع نثر را نیز با یک عنوان مستقل بیاورد، اما نویسنده این کار را انجام نداده و بسیار مختصر از نثر و انواع آن سخن رانده است. علاوه بر این، در صفحات ۱۰، ۱۱ و ۱۲ مرز بین عناوین فرعی و اصلی مشخص نیست و لازم است عناوین فرعی شماره گذاری شود. باید اذعان کرد که هر عنوان بر مطالبی که در ذیل آن می‌آید کاملاً دلالت دارد.

### ۵-۲-۲. ناقص بودن مطالب

نگارنده در صفحه‌ی ۱۰ در باب کلمه ادب سخن رانده است اما در مورد تطور این کلمه در عصور مختلف سخنی به میان نیاورده است. در صفحه‌ی ۱۷۴ قصیده‌ی "بشار بن برد" را که موضوع اصلی آن مدح "عمر بن هبیره الفزازی" و وصف الجیش بوده بریده و تنها حکمت‌ها را آورده است. با این کار مخاطب چنین در ذهن خود تثبیت می‌کند که این سروده تنها در باب حکمت است. در صفحه‌ی ۳۵ در بخش «دراسة نثر ابن المقفع» جای پرداختن به ویژگی‌های نثری او خالی است. در صفحه‌ی ۴۵ نیز از میزات نثر سهل بن هارون سخن نرانده است.

### ۵-۲-۳. دادن اطلاعات اشتباه

بی‌دقتی در بیان برخی مطالب باعث انتقال آگاهی‌های نادرست در مورد یک موضوع به مخاطب می‌شود. برای نمونه در صفحه‌ی ۱۷۹ نویسنده می‌گوید: «شاعر مطبوع هجاء»، و لذا نقل عنه آنه قال: أحمل خشبتي علی کتفی... که این مطلب در مدح اهل بیت از او

مشهور است. این امر نشان از تناقض‌گویی نویسنده دارد که در نهایت به سردرگمی مخاطب می‌انجامد.

نویسنده در صفحه‌ی ۱۳۵ قصد اصلاح تعبیر (بالخبر المستفاض فیه) را داشته است اما وی در باورقی مرتکب دو اشتباه شده است؛ نخست، اظهار کرده المستفاض فیه بهتر است که تحصیل حاصل کرده است و دوم، بدون دلیل فرموده الألیق بالسیاق (المستفیض). از دیگر خطاهای نویسنده می‌توان به صفحه‌ی ۱۸۱ اشاره کرد؛ زیرا وی «نفس زکیه» را لقب امام موسی کاظم (ع) دانسته در حالیکه لقب "محمد بن عبدالله بن الحسن"، یکی از ثوار، است.

### ۳-۵. بررسی میزان انطباق محتوای اثر را با عنوان و فهرست آن

نویسنده در هر دو بخش نثر و نظم مطابق با عناوین و فهرست آغاز کتاب عمل کرده است. در بخش نثر ابتداء رسائل و نمونه‌های آن سپس خطبه‌ها و بعد مناظرات را با تحلیل ذکر کرده است. در بخش شعر مدارس شعر دوره‌ی عباسی را به دو مدرسه‌ی الشعیبیه و مدرسه‌ی المحافظین تقسیم کرده است و شعرای هر مذهب را با آوردن قسمتی از زندگی‌نامه‌ی آنها معرفی کرده و سپس نمونه‌هایی از سروده‌های هر شاعر را ذکر کرده و به تحلیل آن پرداخته است. بطور کلی باید گفت مخاطب با دیدن عنوان کتاب تا حدودی می‌تواند محتوای آن را حدس بزند و اینطور نیست که عنوان یک چیز باشد و محتوا چیزی دیگر، اما می‌توان یک ایراد جزئی بر عنوان وارد کرد و آن این است که وقتی مخاطب عنوان را می‌بیند اینگونه گمان‌کند که کتاب گلچینی از متن‌های نظم و نثر دوره‌ی عباسی است بدون هیچ شرح و تحلیلی. بهتر است عبارت «دراسة و شرح» به انتهای عنوان اضافه شود.

### ۴-۵. میزان انطباق مطالب اثر با آخرین سرفصل‌های مصوب وزارت علوم

در سرفصل جدید وزارت علوم، نظم و نثر تمام دوره‌ها از هم جدا شده است و به عنوان دروسی جداگانه تدریس می‌شوند اگر این کتاب هم در دو جلد ارائه شود بهتر است، در هر صورت می‌توان آن را برای هر دو درس بکار برد.

### ۵-۵. تناسب و جامعیت محتوا و موضوع اثر با توجه به اهداف درس

اثر مورد نظر از جامعیت قابل قبولی برخوردار است جز اینکه جای پرداختن به غرض‌های شعری مهم دوره‌ی عباسی خالی است. شایسته‌تر بود با توجه به این که کتاب از شعر و نثر

این دوره سخن می‌گوید به جای پرداختن به تاریخ ادبیات و زندگی‌نامه‌ی برخی شاعران بحثی در مورد اغراض شعری مهم و ویژگی‌های سبکی هر شاعر ارائه می‌داد.

### ۵-۶. میزان نوآوری در اثر

سبک نگارش کتاب بدین گونه است که ابتدا نثر آمده سپس شعر- همانطور که خود نویسنده در مقدمه اشاره می‌کند- سبکی جدید است؛ زیرا در بیشتر کتاب‌های آموزشی متون مانند «المجانی الحدیث» ابتدا شعر قرار دارد سپس نثر. این شیوه‌ی هم نوآوری داشته و هم از آنجایی که انسان به نثر می‌اندیشد نه با شعر کاربرد این اسلوب برای دانشجویان بهتر است چون نثر را بهتر متوجه می‌شوند و ذهن آن‌ها با خواندن نثر برای درک و فهم شعر آماده‌تر می‌شود.

### ۵-۷. میزان روزآمدی داده‌ها و اطلاعات اثر

با توجه به اینکه کتاب برای دانشجویان فارسی زبان تدوین شده است نویسنده سعی داشته است با آوردن نمونه‌هایی از انواع نامه، خطبه، مناظره و شعر آن هم از اقشار مختلفی مثل ائمه‌ی اطهار، پادشاهان و... مخاطب را با داده‌های مختلفی آشنا کند و بتواند وی را متوجه تفاوت اسلوب نامه‌های یک حاکم با دیگر اقشار کند. در نوشتن این کتاب نویسنده سعی داشته‌است تا کاری که در سطح دانشجویان غیر عرب باشد انجام دهد. می‌توان گفت: جدای از برخی کاستی‌ها، این اثر می‌تواند تا حدودی نیاز دانشجویان فارسی زبان را برطرف کند و با انجام اصلاحات در چاپ‌های بعدی از مقبولیت بیش‌تری نزد مخاطب بهره‌مند گردد.

### ۶. نتیجه‌گیری

-نگارنده در قسمت نثر باید به اسلوب‌های برجسته‌ی عصر عباسی و مشخصات بارز آن‌ها بپردازد؛ زیرا مخاطب باید از این اسلوبها آگاهی داشته باشد تا بتواند آن‌ها را در شواهد آورده شده بیابد و تشخیص دهد.  
- بهتر است نگارنده تمام عنوان‌ها را بصورت کوتاه بیاورد و برخی عناوین طولانی را کوتاه کند؛ زیرا عنوان‌بندی‌ها نقش بسزایی در شکل خارجی متن دارد و هماهنگی آن‌ها نشانگر انسجام متن است.

- گاهی نویسنده شواهد را بطور کامل نمی‌آورد و این سبک باعث می‌شود مخاطب به غرض اصلی متن آورده شده پی نبرد. مانند نمونه‌ی شعری بشاربن برد که در غرض متن است اما با حذفی نویسنده انجام داده است مخاطب گمان می‌کند این سروده با غرض حکمت نوشته شده است.

- شایسته بود نگارنده به برخی مطالب توجه می‌کرد و آن‌ها را در کتاب خود جای می‌داد. برای نمونه جای پرداختن به اغراض شعری در عصر عباسی خالی است. نویسنده جهت غنی‌تر شدن اثرش می‌توانست بجای پرداختن به زندگی‌نامه‌ی افراد از غرض‌های شعری سخن به میان آورد.

- خطاهای تاییبی زیادی در کتاب مشاهده می‌شود که می‌تواند اطلاعات اشتباهی به مخاطب مبتدی بدهد و حتی باعث بدفهمی مطلب شود. برای نمونه فاصله بین کاراکترهای برخی کلمه‌ها و نیز فاصله بین دو کلمه در برخی موارد رعایت نشده است و خواندن مطالب را برای خواننده دشوار می‌سازد.

#### پیشنهادات

بهتر است بخش‌هایی که مربوط به تاریخ ادبیات و زندگی‌نامه‌ی شاعران است مختصر شود و عنوانهای زیر به کتاب اضافه شود:

- اغراض شعر
- ویژگی‌های شعر
- ویژگی‌های نثر
- تفاوت‌های معنی ادب در دوره‌های مختلف
- انواع نثر

#### منابع

- حیدری، غلامرضا (۱۳۸۰). *آیین نگارش ۲*. زنجان: نیکان کتاب.
- زرین کوب، غلامحسین (۱۳۶۱). *نقد ادبی*. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- سلطانی، محمدعلی (۱۳۶۹). *ضرورت و شیوه نقد کتاب*. آینه پژوهش. سال اول، شماره ۱.
- سیاوشی، صابره (۱۳۹۱). *بررسی و نقد ترجمه کتاب تاریخ ادبیات عربی*. پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی. سال ۱۲، شماره ۲.
- صاد، علی (۱۳۹۲). *روش نقد*. قم: هجرت.
- میرلوحی، سید علی (۱۳۹۲). *مختارات من روائع الأدب العربی فی العصر العباسی الأول*. تهران: سمت.